



گفت و گوی مسیحیت و اسلام

پدیدآورده (ها) : الکک، ویکتور؛ محلاتی، حیدر
فلسفه و کلام :: پژوهش‌های فلسفی - کلامی :: پاییز و زمستان 1380 - شماره 9 و 10
(ISC)
از 148 تا 162
آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/11047>

دانلود شده توسط : سیده مریم طباطبایی
تاریخ دانلود : 04/03/1398

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می‌باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می‌باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه **قوانین و مقررات** استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

گفت و گوی مسیحیت و اسلام*

پروفسور ویکتور الیک (Victor El-kik)**

مترجم: حیدر محلاتی

عضو هیأت علمی گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه قم

چکیده

گفت و گو از دیر باز نیاز انسان اجتماعی بوده، و امروزه راه‌کاری شایسته برای بررسی و چاره‌جویی دشواری‌های موجود به‌شمار می‌رود. مقاله حاضر پژوهشی در تبیین بستر و زیرساخت‌های گفت و گو بین دو دین اسلام و مسیحیت است که بیشتر بر ایجاد راه‌کارهای عملی برای برقراری روابط سالم اجتماعی و هم‌زیستی مشترک و پایدار میان مسلمانان و مسیحیان بر اساس بازگشت به اصول ناب و بی‌آلایش دو دین، تأکید می‌کند.

نویسنده مقاله که از استادان ممتاز دانشگاه لبنان و از فعالان برجسته بین‌المللی در زمینه گفت و گوی ادیان و تمدن‌هاست، در این مقاله، ادیان آسمانی را سرچشمه زلال آزادی، برابری و برادری انسان‌ها و الهام بخش اصلاحات فراگیر جوامع بشری دانسته است.

کلید واژه‌ها: اسلام، مسیحیت، گفت و گوی ادیان.

* ویکتور الیک، اُسس و آفاق لحوار مسیحی - اسلامی، بیروت، دارالسلام، ۱۹۹۶.

** استاد ممتاز و رئیس مرکز زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه لبنان.

ایمان، عقیده است که تبلور آن در گفتار و کردار است؛ به عبارت رساتر می‌توان گفت که ایمان اندیشه، گفتار و کردار است. در این زمینه، دیدگاه اسلام و مسیحیت و نیز آیین‌های دیگر پیش از آنها، اعم از یکتاپرستی و مانند آن، یکسان است.

چون این سه رکن ایمان، پایه مشترک ادیان و از بعد فلسفی، اجزای هستی‌انسانی را تشکیل می‌دهند، پس لازم است به عنوان محور اعتقادات دینی و پایه‌های ایدئولوژی قلمداد شوند. بدین جهت، تفاوت ادیان و ایدئولوژی‌ها را از یکدیگر باید با محتوای در بر گیرنده این سه رکن و کارکرد این سه در عرصه زندگی مرتبط دانست.

از این رو، محتوا و کارکرد - با توجه به مطلق بودن تعالیم الهی و نفی نسبیّت بشری از آن - با راهبردهای محیطی هر دین و ایدئولوژی پس از گسترش و نفوذ در جهان، الگو می‌پذیرد.

محتوا که حقایق ایمانی پایداری را در بر می‌گیرد، در فرم‌های گوناگونی که با شرایط نزول وحی و یا شرایط تحوّل بشری متناسب است، پدیدار می‌شود. بدین سان، فرستادگان خدا برای هدایت مردم فزونی یافتند، و به گفته قرآن: «و رسولان را فرستاد که نیکان را بشارت دهند و بدان را بترسانند تا آنکه پس از فرستادن این همه رسولان، مردم را بر خدا حجتی نباشد».^۱ در مقوله قرآنی عبرت‌آمیز دیگری آمده است: «ما بر هر قومی شریعت و طریقه‌ای مقرر داشتیم و اگر خدا می‌خواست همه را یک امت می‌گردانید و لیکن این نکرد تا شما را به احکامی که در کتاب خود فرستاده بیازماید، پس شما به کارهای نیک سبقت گیرید که بازگشت همه شما به سوی خداست و در آنچه اختلاف می‌نماید، شما را آگاه خواهد ساخت».^۲

این اختلاف که ناشی از فلسفه آفرینش، قانون تحوّل و نیازمندی‌های محیط است، در عصر حاضر منجر به ایجاد دو جریان مخالف هم شد: یکی معتقد به گشودن دفتری تازه از روابط مثبت میان فرقه‌های مسیحی به ویژه میان کلیسای کاتولیک و دیگر ادیان است. چندین



سند از اسناد کنگره دوم واتیکان که این شیوه را پی‌ریزی کرد بر ضرورت برقراری این‌گونه روابط تأکید کرد، و سند ویژه‌ای موسوم به بیانیه «Nostea Aetate» را که به ایجاد رابطه میان کلیسای کاتولیک و دیگر ادیان پرداخته، اختصاص داد که پس از این به رویکردها و دیدگاه‌هایش خواهیم پرداخت. اما جریان دیگر، بنیادگرایی است که در این دوران گاه تندروی و گاه میانه روی پیشه می‌کرد، تا جایی که مناطق وسیعی از خاور نزدیک، میانه و دور را در برگرفت و تأثیرات شگرفی بر شمال آفریقا و آفریقای سیاه برجای گذاشت. این در حوزه دین اسلام، اما در حوزه مسیحیت همانند این جریانی که بازگشت به بنیادها و ریشه‌ها را تبلیغ می‌کرد نیز پدید آمد، به ویژه در ایالات متحده آمریکا که در آن‌جا هم مانند بنیادگرایی اسلامی، دعوت دینی، چهره سیاسی به خود گرفت، هر چند تفاوت‌هایی بین این دو از نظر خاستگاه‌ها و انگیزه‌ها وجود داشته است.

در این‌جا می‌توان به مباحثی که پژوهش‌گران این جریان، همچون رابرت نیت (Rabert Nisbet) و ویلیام شامبرا (William A. Schambra)، (سیاست‌مدار) و دیگران مطرح کردند، اشاره کرد.^۳

اینک که موضوع این تلاش، بررسی آغاز دوره‌ای از روابط خوب میان ادیان، به ویژه بین مسیحیت و اسلام بوده، بهتر آن است کلامم را درباره راه‌های امکان‌پذیر ایجاد روابط میان این دو، با بازگشت به پایه‌های گفت‌وگویی مورد تأکید دو دین متمرکز کنم. سعی می‌کنم به اندازه توان دورنمایی از روش اولیه این گفت‌وگو را ترسیم کنم.

بستر و زیرساخت‌های گفت‌وگو

مفهوم گفت‌وگو میان ادیان به عنوان پایه و اساس در کلیسای کاتولیک بر اساس نامه فراگیر (Ecclesiam Suam) پاپ پل ششم که در ۶ آگوست سال ۱۹۶۴ منتشر کرد، در نظر گرفته شد. در پی آن، استعمال این اصطلاح گسترش و در خلال کنگره، کاربرد فراوانی یافت. سپس در چهارچوب امور و روابط کلیسا و مسائل دینی و نیز دنیوی و برای نشان دادن روابط مثبتی که باید میان مردم، اعم از افراد و گروه‌های پیر و ادیان مختلف و ایدئولوژی‌های متفاوت، حاکم باشد، بهره‌برداری شد.

مفهوم گفت‌وگو که اندک اندک به جنبشی پویا بدل شد و اجرای تئوریک و عملی آن به

عهدۀ مؤسسه‌ای که پاپ پل ششم در چهارچوب کنگرهٔ دوم واتیکان بنیان نهاد و نام دبیرخانۀ امور غیر مسیحیان به خود گرفت، در سال ۱۹۶۴ و در عید یادبود نزول روح القدس بر شاگردان حضرت مسیح که پنجاه روز پس از عید پاک است، متبلور شد. از دلایل اهتمام ورزیدن پاپ فقید به این مؤسسه، اعطای شخصیت معنوی و عملی و مستقل از جامعۀ مقدّس مسیحی به این مؤسسه برای تبلیغ دین مسیحیت به دیگر ملل بود. قانون کلیسای (Regimini Ecclesiae) مأموریت این مؤسسه را این گونه ذکر می‌کند: «بحث دربارهٔ روش‌ها و ابزارهای که منجر به گشایش گفتمان با غیر مسیحیان و کوشش جدی برای شناخت دقیق ادیان غیر مسیحی و ارج نهادن به آنها تا این‌که غیر مسیحیان به طور شایسته به اعتقادات، زندگانی و ارج و منزلت مسیحیت پی ببرند».^۴ در این جا به هیأتی که از سوی مجمع جهانی کلیساها برای گفت و گو با ملت‌های دارای عقاید و ایدئولوژی‌های زنده و در راستای تبلیغ و دعوت به انجیل تأسیس شده، اشاره می‌شود. این دو هیأت برای صلاح و رستگاری انسان همکاری کردند. اما کلیسا چگونه به اجرای اصل گفت و گوی عمومی بر پایهٔ دوران نوین روابط نگرست، روابطی که خود خواستار برقراری آن بین مسیحیت و اسلام و از خلال رابطۀ مورد نظر بین این دو بود.

کنگره گفت و گو - اگر این نام‌گذاری مناسب باشد - بر آنچه دو طرف را بر پایهٔ ایمان به یگانگی الهی در صورت‌های گوناگونش گرد هم می‌آورد و گشودن فصلی تازه از روابط و نیز تلاش مشترک در نگاهداشت ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی، تأکید کرد.

در بخشی از بیانیهٔ کنگره آمده است:

کلیسا به دیدۀ ستایش به مسلمانان می‌نگرد که خدای یگانه را می‌پرستند، خدای زنده و بی‌مانند، بخشنده و مهربان و توانا، شکافندهٔ آسمان‌ها و زمین که گفتارش را به بشر پرتو افکند. آنها با همهٔ وجودشان در تلاشند فرمانبردار دستورهای خداوند باشند. اگر چه درک آن از دید ما پنهان است. همان‌گونه که ابراهیم بندگی می‌کرد که اصولاً دین اسلام به او برمی‌گردد. مسلمانان، مسیح را به عنوان پیامبر، گرامی می‌دارند. هر چند که به مقام الوهیتش معتقد نیستند، و نیز مادر مقدسش مریم را ارج می‌نهند و گاه او را الگویی تقوا می‌دانند. آنها در انتظار روز رستاخیزند که خداوند به همهٔ مردم که از نو زنده می‌شوند، رسیدگی می‌کند. و همین‌طور پاسداریشان از ارزش‌های اخلاقی و بندگیشان به بارگاه خداوند بزرگ، به ویژه نماز، زکات و

روزه. و اگرچه اختلافات فراوان و دشمنی‌ها در طول قرن‌ها، روابط مسیحیت و اسلام را به بن بست کشانده است، این کنگره همگان را به نادیده انگاشتنی گذشته و کوشش در برقراری تفاهم دو جانبه و تلاش دو سویه برای پیش برد ارزش‌های عدالت اجتماعی و اخلاق و صلح و آزادی و گسترش آن که همه مردم را در بر گیرد، ترغیب می‌کند.^۵

دیگر کلیساها نیز، گفته‌های کلیسای کاتولیک را تأیید کردند.

آداب و اخلاق گفت و گو

اگر چه کنگره دوم واتیکان، گفت و گورا آغاز تازه‌ای برای ارتباط میان ادیان و ایدئولوژی‌ها قرار داد و مؤسسه‌ای را برای پی‌گیری آن ایجاد کرد تا این اندیشه، تنها مفهومی ذهنی و شعاری ایدئولوژیک باقی نماند، بی تردید، این فکر برخاسته از اصول نهادینه هر دو دین است که می‌توان در عقیده توحید و پای‌بندی به برادری انسانی - که جلوه‌ای خداوندی است - و هدف صلح جهانی برای همه انسان‌ها، گرد آورد. این اصول، آداب و اخلاقی دارد که در پی توضیح آنیم.

از نظر روابط انسانی، انجیل به چیزی گسترده‌تر از تسامح و فراتر از گفت و گو دعوت کرد، آن‌جا که می‌آموزد:

اما من به شما می‌گویم به کسی که به تو بدی می‌کند بدی نکن. و اگر کسی بر گونه راست تو سیلی می‌زند گونه دیگر خود را به طرف او بگردان. هر گاه کسی تو را برای گرفتن پیراهنت به دادگاه بکشاند، ردای خود را هم به او ببخش... شنیده‌اید که: نزدیکان خود را دوست بدارید و با دشمن خویش دشمنی کنید. اما من به شما می‌گویم: دشمنان خود را دوست بدارید، نفرین کنندگان شما را دعا کنید و به کسانی که به شما کینه ورزی می‌کنند، نیکی کنید. به این وسیله شما فرزندان پدر آسمانی خود خواهید شد. چون او آفتاب خود را بر بدان و نیکان یکسان می‌تاباند، و باران خود را بر درستکاران و بدکاران می‌باراند. اگر فقط کسانی را دوست بدارید که شما را دوست می‌دارند، پس چه اجری دارید؟^۶

این آموزش‌ها، گذار از خودخواهی و نفس بدخواه، و برای برقراری روابط اجتماعی و انسانی با ارزش است. نمونه آن در چهارچوب دعوت به حق در قرآن از یک سو، این‌گونه آمده است:

«خلق را به حکمت و برهان و موعظه نیکو به راه خدا دعوت کن و با بهترین طریق مناظره کن که البته خدا (عاقبت حال) کسی که از راه او گمراه شده و آن که هدایت یافته بهتر می‌داند».^۷ این معنای دیگری نیز دارد و آن نسبتن باب گفت و گو و متهم نکردن دیگران به گمراهی است. در انجیل نیز مانند این آمده است: «دیگران را محکوم نکنید تا مورد محاکمه قرار نگیرید».^۸

از سوی دیگر، قرآن، آداب گفت و گو با اهل کتاب را ترسیم کرده، بیان می‌کند که توحید، مسلمانان و اهل کتاب را به هم نزدیک می‌کند و این یکی از پایه‌های گفت و گو است. در سورهٔ عنکبوت می‌خوانیم:

و شما مسلمانان با اهل کتاب جز به نیکوترین طریق، بحث و مجادله مکنید، مگر با ستمکاران از آنها و با اهل کتاب بگویید که ما به کتاب آسمانی قرآن بر ما نازل شده و به کتاب آسمانی شما به همه ایمان آورده‌ایم و خدای ما و شما یکی است و ما تسلیم و مطیع فرمان اویم.^۹

برای این که قرآن کریم این شور و گرمی دعوت جدید را سامان بخشد و مؤمنان را به دلیل دعوت به خدا از نادیده گرفتن آزادی دیگران بر حذر بدارد، پیامبر خود را به عنوان پیاد آورنده مخاطب ساخت، و این که او نمی‌تواند هر کس را که خواست به راه خدا هدایت کند، بلکه فقط زمینه آماده سازی بندگان خدا را برای هدایت فراهم می‌آورد:

چنین که هر کس را بخواهی هدایت توانی کرد، لیکن خدا هر که را خواهد هدایت می‌کند و او به حال آنان که قابل هدایتند، آگاه‌تر است.^{۱۰}

زمینه گفت و گو

هر چند کلیسا تلاش کرد تا از گفت و گو، خاستگاهی برای همکاری میان مسیحیت و اسلام بسازد، به نظر ما، دیدگاه دو دین از لحاظ به کارگیری اعتقادات دینی برای انجام اعمال نیک در زندگی اجتماعی و دمیدن روح انجیل و قرآن در زندگی مطابقت دارد. در انجیل آمده است:

نه هر کسی که مرا: خداوند، خداوند، خطاب کند به ملکوت آسمان وارد خواهد شد، بلکه آن کسی که اراده پدر آسمانی مرا به انجام برساند.^{۱۱}

قرآن نیز می‌آموزد:



نیکوکاری این نیست که روی به سمت مشرق یا مغرب کنید، چه این چیز بی اثری است، لیکن نیکوکار کسی است که به خدای عالم و روز قیامت و فرشتگان آسمان و کتاب آسمانی و پیغمبران ایمان آورد و دارایی خود را در راه دوستی خدا به خویشان و یتیمان و فقیران و رهگذران و گدایان بدهد و هم در آزاد کردن بندگان صرف کند و نماز به پا دارد و زکات مال به مستحق برساند و با هر که عهد بسته به موقع خود وفا کند و در کارزار و سختی‌ها صبور و شکیبا باشد و به وقت رنج و تعب صبر پیشه کند، کسانی که بدین اوصاف آراسته‌اند آنها به حقیقت راست‌گویان عالم و آنها پرهیزکارانند.^{۱۲}

پس باید گفت و گوی ما، گفت و گویی بر پایه عمل و اجرا باشد، چرا که هر دو دین، ما را به این که دین را در رفتار و کردارمان زنده سازیم و نه فقط با بیان آموزه‌های آن، فرا می‌خواند. شایان ذکر است که مسیحیت و اسلام هر دو، اصل آزادی عقیده را اعلام کرده و گفته‌اند که همه مردم، هر عقیده‌ای را که می‌خواهند برگزینند، آزادند. اگر چه اختلاف نظر در تفسیر آیه قرآنی ﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ﴾ و آیه ﴿وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ﴾ که به ظاهر با آیه قبل مغایرت دارد، بسیار است، و با این که شیخ محمد عبده (۱۸۴۹-۱۹۰۵م) و شیخ محمد رشید رضا (۱۸۶۵-۱۹۳۵م) این دو آیه و آیه‌های دیگر را با در نظر گرفتن اسباب نزول، در راستای اثبات آزادی تفسیر کردند، اما آیه‌هایی را که آورده‌ام - آیه ۴۸ سوره مائده، آیه‌های ۴۴-۴۶ از انجیل متی - این مورد را به وضوح نشان می‌دهد.

اما درباره گفتار هر دین مبتنی بر این که راه نجات تنها به پیروی از همان دین است و لا غیر، که در آیه قرآنی (هر کس که دینی جز اسلام داشته باشد از او پذیرفته نیست) و آیین مسیحیت (بیرون از کلیسا، نجاتی نیست)، تبلور یافته است، باید گفت که مواضع کنگره دوم واتیکان در این خصوص و آموزه‌های امام غزالی، برگی نو از پذیرش عملی متقابل در جزئیات می‌گشاید و آموزه‌های سنتی کلی را پشت سر می‌گذارد.

امام ابو حامد غزالی (۴۵۰-۵۰۵ه) که اهل سنت او را حجة الاسلام لقب دادند و برخی از بزرگ‌ترین مجتهدان اسلام درباره کتاب احیاء علوم الدین او گفته‌اند که احیاء چیزی نزدیک به قرآن است. وی در کتاب فیصل التفرقة^{۱۳} خود آورده است که غیر مسلمانان هم می‌توانند رستگار شوند، چنانچه شرایط راست‌گویی و اخلاص حقیقی در آنها فراهم شده باشد. گفته این پیشوای اهل سنت و دو تن از علمای اسلامی معاصر، یعنی شیخ محمد عبده و شیخ

محمد رشید رضا در تفسیر المنار^{۱۴} نظر اجتهادی منحصر به فرد نیست، بلکه از نص صریح آیه ذیل که به صورت‌های گوناگون در قرآن و در سه آیه از سوره بقره^{۱۵} و یک آیه از سوره مائده^{۱۶} آمده است، سرچشمه می‌گیرد:

هر مسلمان و یهود و نصارا و ستاره‌پرست که از حقیقت، به خدا و روز قیامت ایمان آورد و نیکوکاری پیشه کند، البته از خدا پاداش نیک یابد و هیچ‌گاه (در دنیا و عقبین) بیمناک و اندوهگین نخواهد بود.^{۱۷}

در راستای موضع شجاعانه غزالی - با توجه به شرایط زمانه خود - موضع کنگره دوم واتیکان قرار دارد که به آن استناد کردیم و در مورد ایمان و نجات مسلمانان با غزالی هم عقیده است.

افزون بر این، و در همین راستا، رویکرد امام غزالی به آموزه‌های حضرت مسیح و استفاده از گفته‌ها و رهنمون‌های ایشان، به ویژه در فلسفه اخلاقش قابل توجه و نشان دهنده راه و روش نمونه و یگانه غزالی است. این را در میراث فرهنگی شیعه، چه در روی آوردن به آموزه‌ها و راه روش حضرت مسیح و چه در گفت و گویی که به صورت مناظراتی میان دانشمندان مسیحی و دانشمندان و پیشوایان شیعه صورت می‌گرفته، متجلی می‌بینیم. گفتنی است که در این زمینه، نوشته‌های علمای شیعه، به ویژه دوازده امامی‌های در استفاده فراوان از سخنان و اندرزهای حضرت مسیح و تجلیل از روش زندگی او چشم‌گیر بوده است.

بر فراز این گونه ادبیات دینی، گفتار امام علی بن ابی طالب علیه السلام درباره پیغمبران قرار دارد که در مورد حضرت مسیح گفته است:

و اگر خواهی از عیسی بن مریم علیها السلام گویم که سنگ را بالین می‌کرد و جامه درشت به تن داشت و خوراک ناگوار می‌خورد، و نانخورش او گرسنگی بود، و میوه و ریحان او آنچه زمین برای چهارپایان رویاند از گیاه، زنی نداشت تا او را فریفته خود سازد، فرزندی نداشت تا غم وی را خورد، و نه مالی که او را مشغول کند، و نه طمع‌ی که او را به خواری در اندازد. مرکب او دو پایش بود و خدمتگزار وی دست‌هایش.^{۱۸}

در زمینه گفت و گوها یا مناظرات، دانشمند معروف شیعی محمد بن علی بن بابویه قمی (در گذشته به سال ۲۸۰ هـ) چهار مناظره میان پیشوای بزرگ مسیحیان در مرتبه «جائلیق»^{۱۹} و

پژوهش‌های فلسفی کلاسی

پیشوایان شیعه یا روحانیان بزرگ و یا متکلمان آنها آورده است. نخستین مبحث از این دست میان جاثلیق و امام علی بن ابی طالب علیه السلام تقریباً پس از گذشت چهار دهه از هجرت پیامبر انجام شده است. اما این گونه مباحث که صورت مناظره به خود گرفت، در قرن دوم هجری (قرن هشتم میلادی) میان جاثلیق و امام جعفر صادق علیه السلام و سپس امام علی بن موسی الرضا علیه السلام به اوج خود رسید.^{۲۰}

دومین موضوعی که در این زمینه باید ملاحظه شود، این است که نویسندگان شیعه از گفتار حضرت مسیح و راه و روش زندگانش بسیار اقتباس کرده‌اند.

اگر گفته‌های امام ابو حامد غزالی را به کناری نهم، در صحاح اهل سنت، روایتی از مسیح نمی‌یابیم، در حالی که این مورد در کتاب‌های شیعیان فراوان است. در اندرزی از امام صادق علیه السلام به عبدالله بن جنذب می‌بینیم که به آیاتی از انجیل متّای پیغمبر استناد شده است. این اقتباس در قرن چهارم هجری (دهم میلادی) در کتاب مشهوری به نام تحف العقول عن آل الرسول از نویسنده نامدار شیعی، أبو محمد الحسن بن علی بن الحسین بن شعبه الحَرَانی (در گذشته به سال ۳۸۱ هـ) فراوان به چشم می‌خورد. این کتاب لبریز از راز و نیازها، پند و اندرزها گفته‌های حضرت مسیح است.

این مطلب و مطالب دیگری که به اختصار ذکر کردیم، زمینه خوبی را برای گفت و گویی سازنده و تفاهم عقلانی و روحانی آزادی میان مسیحیان و مسلمانان فراهم می‌آورد تا آنان را به اصول دینی ناب و زلال نهفته در متن این دو دین بازگرداند.

راه و روش گفت و گو

این گشت و گذار کوتاه در مقوله گفت و گو که می‌توان آن را بستری تاریخی و بنیادین در روابط میان ادیان، به ویژه میان مسیحیت و اسلام، و نیز نقطه عطفی تاریخی در روند ارتباطات ملت‌ها و به تبع آن آینده بشریت دانست، ما را به ایجاد شیوه‌ای آشکار و روشی روشن رهنمون می‌سازد که نه تنها با پژوهش‌هایی در کتب آسمانی متکامل می‌شود، بلکه بر پایه شناخت گسترده زندگی دینی ما می‌توان بدان دست یافت.

بهتر آن است که بکوشیم کلیاتی را برای این روند ترسیم کنیم، تا این که اندک اندک و به مرور زمان تکامل یابد. این کلیات می‌تواند موارد ذیل باشد:

الف) موضع اصولی گفت و گو؛

ب) زمینه‌های گفت و گو؛ امکانات، دشواری‌ها و ابزارهایش؛

ج) بیان فواید و نتایج گفت و گو.

نگاهی گذار به این گستره به‌نور که تنها برجستگی‌هایش به چشم می‌خورد، نکات زیر را

برایم نمایان می‌سازد:

الف) موضع اصولی گفت و گو

در این زمینه آموزه‌های والای مسیحیت و اسلام و نیز موضع کلیسا در کنگره دوم واتیکان را بیان کردیم. در این جا اشاره می‌کنیم که این دعوت از سوی مراجع دینی کشورهای اسلامی پاسخی درخور یافت. در این باره گفتنی است که هیأتی اسلامی از عربستان سعودی که در رأس مقدس‌ترین اماکن مقدس جهان اسلام است، از واتیکان دیدن کرد و این نخستین ارتباط رسمی میان کعبه مسلمانان در مکه مکرمه و پایگاه جاودان مسیحیت در رم بود.

پیش از آن در سال ۱۹۶۴ کاردینال فرانسیس کونینگ رئیس اسقف‌های وین در اتریش از دانشگاه الازهر که بزرگ‌ترین مرجع دینی سنی در جهان است، دیدن کرد و در برابر گروه دو هزار نفری از دانشجویان و استادان و دانشمندان، سخنانی برخاسته از توصیه‌های کنگره دوم واتیکان با عنوان «توحید در جهان معاصر» ایراد کرد. این سخنان مهم سهم بسزایی در پیوند قلب‌ها و دور کردن نگرانی‌ها ایفا کرد. در مقابل، شیخ حسن مأمون مقدم رهبر کلیسا راگرامی داشت و با ذکر این آیه قرآنی سرشار از عاطفه، سخنان خود را پایان بخشید:

و با محبت‌تر از همه کس با اهل ایمان آنان را خواهی یافت که گویند ما نصرانی هستیم این

دوستی نصاری نسبت به مسلمین بدین سبب است که برخی از آنها دانشمند و پارسا هستند و

آنها تکبر و گردن‌کشی بر حکم خدا نمی‌کنند.^{۲۱}

ب) زمینه‌های گفت و گو؛ امکانات، دشواری‌ها و ابزارهایش

۱. به عنوان سر آغاز این مرحله و به دنبال اعلامیه کنگره دوم واتیکان، ما خواهان اعلام پیمان صلح میان ادیان هستیم. فراخوان این چنین پیمانی، آنانی که دین را در خدمت سیاست گرفته‌اند و به عنوان سلاحی نیرومند به کار می‌برند تا حدودی ناکام می‌سازد.



۲. در پی آن، نوبت به اعلام پایان جدال میان پیروان ادیان و نیز میان پیروان فرقه‌ها و مذاهب در هر دینی به صورت جداگانه می‌رسد، چرا که جدال متافیزیکی یا کلامی از مهم‌ترین موانع گفت و گو و از عوامل نابودی عاطفه دینی و سردکننده گرمای ایمان ناب است. ما در این جا مثال مشهور جدال بیزانسیان را یاد می‌کنیم که در حالی که آنها مشغول جدال درباره جنس فرشتگان بودند، سپاهیان عثمانی به دروازه‌های قسطنطنیه رسیده بودند. برای تبیین نتایج وخیم جدال، نظر امام غزالی در ردّ جدال و انتخاب نام احیاء علوم الدین برای کتاب تعیین کننده‌اش در تاریخ ایمان اسلامی را یادآوری می‌کنیم. وی با استعانت از نیروی روحانی احیاگرانه، تلاش کرد تا اعتقاداتی که با جدال تضعیف شده بود، پر بار کند. بدین جهت علیه انتشار علم کلام در میان غیر متخصصان حمله کرد و گفتار مشهورش را در کتاب النجم العوام عن علم الکلام منعکس ساخت.

۳. بر شمردن اشتراکات و اختلافات عقیده و اصول و ویژگی‌های خاص هر دینی.

۴. بررسی نقاط اشتراک و اختلاف و علل آنها، با:

- مطالعه اصول عقاید و شریعت‌ها و شرایط ظهور یا نزول آنها،

- مطالعه رابطه تاریخی میان ادیان، و رابطه تاریخی میان ادیان و ایدئولوژی‌ها.

۵- بحث درباره امکان نزدیکی میان عقاید و شریعت‌ها در ادیان مختلف و میان مذاهب

هر دینی به طور جداگانه؛ به عنوان مثال در این جا به تلاشی که میان اهل سنت و شیعه امامیه در تشکیل «جمعیت تقریب بین مذاهب اسلامی» که مرکز آن در قاهره و سال‌های متمادی ریاست آن را بر عهده علامه محمد تقی قمی بوده، اشاره می‌کنیم.

اوج فعالیت این جمعیت در آغاز دهه شصت بوده و مجلات مصری و ایرانی (مانند مجله الاخفاء که در سال‌های ۱۹۶۰-۱۹۶۳، و سپس در سال‌های ۱۹۷۶-۱۹۷۹ ریاست و سردبیریش را بر عهده داشتیم) خبر می‌دادند، و نیز در مجله «البیّنة» که شادروان علّال فاسی در مغرب آن را منتشر می‌کرد.

۶. ترجمه میراث فرهنگی مسیحیت - علاوه بر انجیل - به زبان عربی و گسترش ترجمه فرهنگ اسلامی به زبان‌های جهانی و به کارگیری رسانه‌های گروهی برای بیان ناشناخته‌های هر دو دین و تشویق مؤمنان به شناخت ندانستنی‌های خود.

۷. تشویق همایش‌ها و گردهمایی‌هایی که مجمع کلیساهای جهان و مجامع کلیساهای

منطقه‌ای بر پا می‌کنند. این فعالیت بسیاری از تضادها و دوگانگی‌های ضدیت برانگیز را برطرف کرد و به سوی اشتراک در نماز و مراسم دینی و جز آن راهبری کرد. اینها گام‌هایی در راستای ایجاد نزدیکی و پیمودن راه دراز همبستگی است.

۸. اذعان به محال بودن نزدیکی میان برخی اعتقادات و اصول و به تبع آن بسیاری از جزئیاتی که مسیحیت را از اسلام جدا می‌کند؛ برای نمونه الوهیت مسیح و عقیده سه گانگی است. در این جا لازم است به اعتقادات احترام گذاشت و از وارد شدن به میدان مجادله درباره آن پرهیز و باید به سوی مشترکات حرکت کرد.

۹. تلاش در فعال کردن علم کلام یا الهیات - همان‌گونه که ایرانیان و ترک‌ها آن را می‌نامند - و پویایی اجتهاد، زیرا جامد ماندن این علوم اسلامی، جلوی تحرک و دگرگونی اجتماعی مسلمانان را می‌گیرد و روزنه ارتباطی این علوم را با علوم همانند آن در مسیحیت، تنگ می‌سازد.

۱۰. بررسی تأثیر پذیری برخی اعتقادات گوناگون از محیط، زمان و عقاید کهن در پرتو روشن‌گری دانش‌هایی که در بند پیشین بدان اشاره شد، در راستای آمادگی برای انجام قرائتی نو از انجیل و قرآن و پایه‌ریزی دیدگاه‌هایی تازه در دانش‌هایی که به فهم آنها می‌انجامد. اگر در پرتو این دعوت، از مشکل سه گانگی مسیحی و رد آن از سوی قرآن بحث کنیم، و آن را در چهارچوب جغرافیایی و مکان تاریخی قرار دهیم، برایمان روشن می‌شود که گروهی از مسیحیان در شبه جزیره عرب (حجاز) در دوره‌ای پیش از اسلام راز سه گانه پرستی را از رهگذر سه گانگی آمیخته با شرکی که در جنوب شبه جزیره و بر پایه مفهومی فلکی استوار بوده، دریافته بودند. خلاصه مسئله این‌که گروهی از عرب‌های جنوب، سه گانگی فلکی را که بر پایه عقیده خدای (ماه) و همسرش (آفتاب) و پسرشان (زهرة) ^{۲۲} استوار بوده، باور داشتند. بدین سان، گروهی از مسیحیان عرب، سه گانه پرستی مسیحی را از عقیده پیشین خود دریافته بودند. قابل توجه در این خصوص این‌که در آیه‌ای که سه گانه پرستان را کافر شمرده، نامی از مسیحیان به میان نیامده، بلکه گروهی را به طور کلی کافر خوانده است: (البته کسانی که سه خدا قائل شدند، کافر گردیدند). ^{۲۳}

۱۱. تدریس درس دینی در مدارس با روحیه‌ای دگراندیشانه، سپس تأکید بر ارزش‌ها و اعتقادات مشترک میان مسیحیت و اسلام در مرحله درک فکری.



۱۲. پرورش نسلی از گفت و گو گران متخصص با گنجاندن مطالعات تطبیقی ادیان در برنامه‌های درسی، به‌ویژه درس گفت و گو میان ادیان در دانشکده‌های ادیان، الهیات و فلسفه، و دادن گواهی و مدرک تحصیلی مستقلی در این زمینه.

ج) فواید گفت و گو

۱. بحث درباره ابزار گفت و گو، ما را به تبیین فواید آن در جوامع گوناگون انسانی به اعتبار محیط، تاریخ و عوامل پدید آورنده آن و نیز مسئله دین رهنمون می‌سازد. اگر ما با کمک همه ابزار امروزی اقدام به برپایی گردهمایی دوره‌ای در جاهای مختلف جهان به منظور ایجاد جوی مناسب برای گفت و گو، تفاهم و آنگاه همکاری کنیم، می‌توانیم به تدریج، گوشه‌گیری و پراکندگی را به کناری نهیم، زیرا اینها در طول قرن‌های طولانی دشمنی، در اندیشه، سنت‌ها و آداب و رسوم مردم رسوب کرده است. در آغاز، تحقق این ارتباط، خود به تنهایی پیروزی برای ایمان به حق است.

۲. از فواید این تلاش این است که ما را به بررسی همه جانبه دین و مطالعه هم‌زمان ادیان دیگر باز می‌گرداند، و در ما انگیزه فهم، عبادت و روشن بینی در آموزه‌های دینی و دانش‌های وابسته را بیدار می‌کند، و جنبش علمی را که به تبادل افکار و تجارب برای دست یابی به خیر و مصلحت بشریت در تمامی این کره خاکی منجر می‌شود، بر می‌انگیزاند.

۳. اذعان به وجود اختلاف و پذیرش آن - علاوه بر پذیرش مشترکات - باعث تهذیب شخصیت انسانی و نیرومندی آن در سایه همکاری با کسانی که با ما اختلاف دارند، می‌شود و سرانجام، راهی به سوی صلح میان انسان‌ها و جوامع و کشورهاست. و صلح از اهداف اصلی ادیان است.

۴. اگر چه رفع همه مشکلات انسانی به صورت قاطع، امری دشوار است، گفت و گو می‌تواند بار این مشکلات را کاهش دهد و بر خشونت آن که باعث تزلزل کشورها و جوامع و به تبع آن تشنج در روابط انسانی و سرانجام، برافروخته شدن آتش جنگ می‌شود، مهار می‌زند. چه این که جهان به دلیل وسایل ارتباطی مدرن، از قانون مشهور علمی (به هم پیوستن مایعات) پیروی می‌کند و هر تکانی در این جا، در همه جای جهان، توفانی بر پا می‌کند. اگر دین در جامعه حضوری زنده داشته باشد و این حضور وجودی تلقینی و یا مراسمی موروثی

نباشد، آن را - همان‌گونه که هست - به عنوان وسیله‌ای برای تحقق زندگانی برتر برای مردم در این دنیا که مقدمه‌ای برای آخرت است، به کار بریم، و نه تنها به عنوان وسیله‌ای برای آخرت که در هنگام نزول بلا و یا مصیبت و یا ناراحتی در جان و تن بدان دست یازیم، که گویی طلسمی جادویی است که جز در سختی‌ها بدان پناه نمی‌بریم.

منابع و پی‌نوشت‌ها

۱. ﴿رَسُولًا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ﴾ (نساء) (۴) آیه (۱۶۵).
۲. ﴿يَكُلُّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَا جَاوِلًا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ لِنَبِّئُكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ فَانصَبُوا الخَيْرَاتِ إِلَى اللَّهِ مَزْجِعُكُمْ جَمِيعًا كَيْنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ﴾ (مائدة) (۵) آیه (۴۸).
۳. نک: "The Public Interest", No.80, Summer 1985.
۴. نک: دیدگاه کلیسا نسبت به پیروان دیگر ادیان، واتیکان، دبیرخانه غیر مسیحیان، ۱۹۸۴.
۵. همان.
۶. انجیل متی ۵: ۳۹-۴۶.
۷. ﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ﴾ (نحل) (۱۶) آیه (۱۲۵).
۸. انجیل لوقا ۳۶: ۶.
۹. ﴿وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَقُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْنَا وَأَنْزَلَ إِلَيْكُمْ وَإِنَّا وَاللَّهِ لَأَنْزِلُ إِلَيْنَا وَأَنْزَلَ إِلَيْكُمْ وَإِنَّا وَاللَّهِ لَأَنْزِلُ إِلَيْنَا وَأَنْزَلَ إِلَيْكُمْ وَقُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْنَا وَأَنْزَلَ إِلَيْكُمْ﴾ (عنکبوت) (۲۹) آیه (۴۶).
۱۰. ﴿إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ﴾ (قصص) (۲۸) آیه (۵۶).
۱۱. انجیل متی ۲۱: ۷.
۱۲. ﴿أَلَيْسَ الْبِرُّ أَنْ تُولُوا وَجوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ﴾ (بقره) (۲) آیه (۱۷۷).
۱۳. فیصل التفرقة، چاپ قاهره، ۱۹۰۱ م، ص ۷۵-۸۷.
۱۴. تفسیر المنار، چاپ قاهره، ۱۳۴۶ هـ ج ۱، ص ۳۳۵-۳۳۶، محمد رشید رضا، مختصر تفسیر المنار، با تكمينه و حاشیه شیخ محمد احمد کنعان، بیروت، المكتبة الاسلامی، ۱۹۸۴ م، ص ۶۱.



۱۵. بقره (۲) آیه‌های ۱۱۱، ۱۱۲.

۱۶. مائده (۵) آیه ۶۹

۱۷. ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ (بقره (۲) آیه ۶۲).

۱۸. «وإِنْ شِئْتَ قُلْتُ فِي عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَقَدْ كَانَ يَتَوَسَّدُ الْحَجَرَ وَيَلْبَسُ الْحَشِينَ وَيَأْكُلُ الْجَسْبَ. وَكَانَ إِدَائِمَهُ الْجُوعَ، وَفَاكِهِتَهُ وَرِيحَانَهُ مَا نَسَبَتْ الْأَرْضُ لِلْبَهَائِمِ. وَلَمْ تَكُنْ لَهُ زَوْجَةٌ تَفِيئُهُ، وَلَا وَلَدٌ يَحْزُنُهُ، وَلَا مَالٌ يَلْفَيْتُهُ، وَلَا طَمَعٌ يَذُلُّهُ. دَابَّتْهُ رِجَالُهُ، وَخَادِمُهُ يَدَاةُ» (نهج البلاغه، تحقیق دکتر صبحی الصالح، دارالکتاب اللبنانی، بیروت، ۱۹۶۷، ص ۲۲۷، خطبه ۱۶۰).

۱۹. جاثلیق، بنابر منابع عربی اسلامی در شرح احادیث شیعه عبارت است از: «پیشوای مسیحیان در هر زمان». این کلمه معرب از زبان یونانی است و به معنای پیشوای اسقف‌ها (Catholicos) و یا باتریارک. و امروزه در مورد باتریارک ارامنه ارتودوکس استعمال می‌شود.

۲۰. کتاب التوحید، ص ۱۸۲، ۲۸۶، ۲۷۰، ۳۶۱، ۴۱۷-۴۲۰، ۴۲۲.

۲۱. ﴿... وَلَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُمْ مَوَدَّةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَسَارَى ذَلِكَ بِأَنَّ مِنْهُمْ قَتِيلِينَ وَرُهْبَانًا وَأَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ﴾ (مائده (۵) آیه ۸۲).

۲۲. زهره در متون کهن عرب جنوب، مذکر و در عرب شمال و دیگر سامی‌های شمالی، مؤنث است. (نک: تاریخ العرب قبل الاسلام، نوشته دکتر جواد علی، ج ۵، ص ۱۲۱).

۲۳. ﴿لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ ثَالِثُ ثَلَاثَةٍ﴾ (مائده (۵) آیه ۷۳).

